



## سید اصیل‌الدین واعظ شیرازی صاحب درج الدرر

نذیر احمد<sup>۱</sup>

سید اصیل‌الدین واعظ شیرازی نویسنده درج الدرر از سلسله سادات رفیعه دشتکی شیرازی است. اسم کامل وی را این طور نوشته‌اند:

”امیر<sup>۲</sup> اصیل‌الدین عبدالله بن عبدالرحمن بن سید عبداللطیف بن سید جلال‌الدین محمد یحیی الحسینی الدشتکی<sup>۳</sup> شیرازی.

علی شیر قانع تنوی در مقالات الشعرا<sup>۴</sup> به نقل از حبیب السیر و مجالس المؤمنین احوال زندگانی آن سید را به اختصار چنین نوشته است:

”به صفت اصالت و وفور جلال و نباهت شأن و قدم دودمان موصوف و معروف بود و به وفور تقوی و دینداری و غایت دیانت و پرهیزگاری از اکثر علمای عالم و سادات بنی آدم دقایق کتب سبحانی. باطن خجسته پناهش مظهر آثار ولایت و رشاد و خاطر خجسته فرخنده مآثرش مهبط انوار هدایت و ارشاد بی شایبه مدح گستری آن مهر سپهر شریعت پروری در علم تفسیر و حدیث و انشا و تألیف،

۱- استاد بازنشسته ممتاز فارسی دانشگاه اسلامی علی‌گره، علی‌گره.

۲- چنین است در حبیب السیر، چاپ خیام، ج ۴، ص ۳۳۴؛ مجالس المؤمنین، ص ۲۱۹. عجالة نافعه از شاه عبدالعزیز دهلوی، چاپ محمدی، ۱۲۹۲، ص ۲۹؛ جلال‌الدین یحیی (به حذف محمد).

۳- دشتک نام محله‌ای بود در شیراز که اکنون جزو محله سرورک و محله لب آب قرار دارد (فارسنامه ناصری، ص ۱۰۳۵).

۴- مقالات الشعرا با مقدمه حسام‌الدین راشدی سندهی، ادبی بورد، کراچی، ۱۹۵۷ م، ص ۳۳ به بعد.

شبیبه و نظیر نداشت."

قانع تنوی سپس می‌گوید:

"وی در روزگار سلطان ابوسعید<sup>۱</sup> از دارالسلطنت شیراز که وطن اصلی آن جناب به هرات تشریف آورده، رایت اقامت افراشت و هر هفته یک نوبت در مدرسه علیا گوهر<sup>۲</sup> شاد آغا به موعظه و نصیحت خلاق می‌پرداخت و در ماه ربیع الاول بر بیان میلاد با سعادت حضرت رسالت مواظبت نموده، طوایف انام را محظوظ و بهره‌مند می‌ساخت. از مؤلفات آن سید ستوده صفات، کتاب افادت اثر درج الدرر که محتوی است بر مهر بسته خیرالبشر؛ و رساله مزارات هرات در میان افاضل اقطار جمهور مشهور است و صحت روایت و بلاغت عبارت آن نسخ بر السنه و افواه خلاق مذکور. انتقال امیر سید اصیل الدین... در هفدهم ربیع الآخر<sup>۳</sup> سنه ثلاث (و ثمانین) و ثمانمائه<sup>۴</sup> روی نمود و خاقان منصور<sup>۵</sup> به اولاد و احفاد آن جناب توجه کرد و سیورغال سید مرحوم به ایشان عنایت نمود."

این خلاصه‌ای بود از زندگانی سید اصیل الدین، صاحب درج الدرر که در ذیل بعضی تفصیلات راجع به احوال و آثار این سید جلیل القدر درج می‌شود.

سید اصیل الدین در مقدمه و متن کتاب درج الدرر چندین بار خود را این گونه معرفی کرده است:

"چون محرّر مقال<sup>۱</sup> این مجالس و مزین جمال این عرایس افقر خلق الله الغنی، خادم الحدیث النبوی عبدالله بن عبدالرحمن الحسینی، المشتهر بین کل حافظ به اصیل النواعظ."

و معین مسکین در ابتدای مجلس اول او را بدین طور ذکر کرده است:

"استاد الحدیث<sup>۲</sup> و استاد المحدثین، قدوة المفسرین... ناشر آثار سید المرسلین، باسط اخبار خاتم النبیین، السید السنند و البحر المعتمد، اصل الحق و الشریعة و التقوی و الدرر المفایر، عبدالله الحسینی الشافعی المحدث - خلد الله ظلال ارشاده... الخ."

همین کاتب در جای دیگر می‌نویسد:

"اصل الحق و الشریعة و التقوی و الدین عبدالله الحسینی و الشافعی المذهب و الحنفی المشرب الشیرازی."

#### خانواده

چنان که گفته شد سید اصیل الدین از خاندان سادات دشتکی<sup>۳</sup> شیراز بود. اگرچه نام خانواده وی در حیب السیر، مجالس المؤمنین، مقالات الشعرا و غیره آمده است، اما در

۱- ورق ۱۴، نیز ورق ۱، ۳۲، ۴۰، ۱۰۲ و غیره. ۲- ورق ۸۰، ۱۱۵.

۳- ص ۲-۵۴۱، نام فقیر حفر علی شیر ولد عت الله بن میر محمد کافم بن میر محمد تقیم بن میر ظهیر الدین و الاسلام عرف میر عادم بن سید شکرانه بن میر ظهیر الدین و الاسلام بن سید قاضی شکرانه بن سید و جید الدین بن سید نعمت الله بن سید عرشه بن امیر نسیم الدین محمد المعروف به میر نیرک شاه بن امیر جمال الدین عطاء الله المحدث بن فضل الله الحسینی الدشتکی شیرازی. هر چند نقایص این بزرگان محتاج تشریح و تفصیل نیست، معینا کاتب الحروف سطر ی چند از عبارت مجالس المؤمنین که آنرا به عینه نقل از حیب السیر کرده، می‌نویسد.

۱- از سال ۸۵۵ تا ۸۷۲ هجری حکومت کرد.

۲- گوهر شاد آغا بنت امیر غیاث الدین ترخان (ولادت بین سال ۷۸۵-۷۸۰ ه) و زوجه میرزا شاه رخ (۸۵۰-۸۰۷ ه). میرزا ابوسعید نوه میران شاه، در سال ۸۶۱ هجری هرات را فتح کرد و گوهر شاد آغا را به قتل رساند. گوهر شاد در سال ۸۲۰ هجری این مدرسه را بنا کرد و در سال ۸۲۶ هجری به اختتام رسانید. مقالات الشعراء، ص ۴-۵۳۳، حاشیه؛ نیز رکن: مجله آریانا، ج ۲، شماره ۵-۴، مجله سادات، کابل، ۱۹۳۹ م و خلاصه الاخبار، چاپ کابل، ص ۱۷.

۳- در مقدمه کتاب درج الدرر، ورق ۴ ب است. اما به جهت این که اکثر طبع به حاجت اعتبار بیان دارند و متعارف آقا جمهور خلاق چنان واقع شده که دوازدهم ماه (ربیع الاول) به واسطه آن که علی القول الأشهر ولادت میمون و وفات آن رابطه اتصال کاف به حرف نون در آن روز بوده، غنم مجالس میلادیه می‌نمایند... الخ.

۴- چنین است در حیب السیر، چاپ خیم، ج ۴، ص ۳۳۴ و در خلاصه الاخبار از همین مصنف ماه ربیع الاول ۸۸۳ هجری و مجالس المؤمنین، ص ۲۲۹، هفدهم ربیع الاول ۸۰۳.

۵- صاحب کشف الظنون، ص ۱۹۴؛ مقالات الشعراء، ص ۵۳۶، حاشیه، علی اصغر حکمت، ۸۷۸ هجری در از سعدی تا جامی، ص ۴۷۲ حاشیه.

۶- یعنی سلطان حسین بایقرا فرمانروای خراسان و هرات (۱۶۳ تا ۹۱۴).

کتاب درج‌الذکر این نسبت دیده نمی‌شود. حتی در عباراتی که به طور تمهید در ابتدای هر مجلس نگاشته شد، جمله‌ای مبنی بر دشتکی بودن وی وجود ندارد. آن‌گونه که از کتابهای تاریخ و تذکره برمی‌آید، سادات دشتکی در علوم عقلی و نقلی دارای شهرت فوق‌العاده‌ای بودند. میر علی شیر قانع تنوی صاحب مقالات الشعرا که خود از همین خانواده بود، در اثر خود علاوه بر سید اصیل‌الدین به معرفی چندین تن دیگر از دانشمندان این خاندان پرداخته است. از جمله: امیر جمال‌الدین عطاءالله المحدث بن امیر فضل‌الله حسینی - نویسنده روضة الاحباب - که برادرزاده سید اصیل‌الدین بود؛ امیر صدرالدین محمد شیرازی (م: ۹۰۳) صاحب آثار کثیره؛ غیاث‌الدین منصور شیرازی (م: ۹۴۸) صاحب آثار عدیده. همچنین در شیرازنامه<sup>۱</sup>، مجالس المؤمنین<sup>۲</sup>، بزرگان شیراز<sup>۳</sup> و تذکره آشکده آذر<sup>۴</sup> نیز از بعضی سادات دشتکی سخن به میان آمده است. مؤلف فارسنامه ناصری تعداد بیشتری از افراد خاندان سادات دشتکی شیرازی را معرفی کرده است. شخص حاج میرزا حسن حسینی فسایی نگارنده فارسنامه ناصری نیز از این خاندان بود. اسامی بعضی از دانشمندان دشتکی که فارسنامه ناصری به معرفی آنها همت گماشته، به قرار ذیل است:

- ۱- علی ابوسعید نصیبی، ۲- سید ضیاء‌الدین بن فخرالدین عربشاه، ۳- امیر عزالدین اسحاق بن امیر ضیاء‌الدین بن امیر فخرالدین، ۴- امیر صدرالدین محمد، ۵- امیر عزالدین، ۶- امیر شرف‌الدین ابواهم بن امیر صدرالدین محمد، ۷- امیر غیاث‌الدین منصور، ۸- امیر سید اصیل‌الدین واعظ دشتکی شیرازی، ۹- امیر جمال‌الدین عطاءالله حسینی دشتکی شیرازی، ۱۰- امیر نسیم‌الدین محمد، مشهور به میرک شاه حسینی دشتکی شیرازی و غیره.

۱- از زرکوب شیرازی تألیف حدود ۷۵۷ که فقط ترجمه ضیاء‌الدین علی بن عربشاه را دارد، چاپ بیاد فرهنگ ایران، تهران، ص ۲۰۴.  
 ۲- ص ۲۱۹ به بعد.  
 ۳- تألیف رحمت‌الله میرزا، ۱۲۴۸. سادات دشتکی را در ص ۲۸۳ تا ۲۸۶ و ص ۳۰۹ تا ۳۱۲ معرفی کرده است.  
 ۴- چاپ امیرکبیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۰۳۵ به بعد.

دانشمند معروف و معاصر، مرحوم دکتر علی اصغر حکمت این‌گونه نوشته است:  
 "بنده نویسنده به آن سلسله (سلسله رفیعۀ سادات دشتکی شیرازی) افتخار  
 انتساب دارم"<sup>۱</sup>

### اقامت در شیراز

همان‌طور که گفته شد، سید اصیل‌الدین از اهالی شیراز بود. در این شهر متولد شد و نشو و نما یافت. اگرچه تاریخ دقیق ولادت او معلوم نیست، ولی اطلاعات موجود حاکی از نگارش کتابی به نام المجتبی فی سیره المصطفی<sup>۲</sup> به قلم او در سال ۸۲۸ هجری<sup>۳</sup> برای وزیر ابوالنجار در کرمان است. وی پس از آن مدتی را در وطن خود اقامت و سپس در اواخر سال ۸۵۸ هجری به هرات مهاجرت کرد.

### مسافرت اصیل‌الدین به هرات

سید اصیل‌الدین کتاب المجتبی فی سیره المصطفی را که درج‌الذکر خلاصه‌ای از آن است، در سال ۸۲۸ هجری تألیف کرد. از آن جایی که این کتاب<sup>۴</sup> بسیار ضخیم بود و اکثر مردم مطالعه کتابهای کم حجم<sup>۵</sup> را ترویج می‌دادند، نویسنده تصمیم به خلاصه کردن المجتبی فی سیره المصطفی گرفت. اما بنا به دلایلی که بعداً مشخص خواهد شد، این تصمیم در دوره اقامت وی در شیراز به تعویق افتاد. اصیل‌الدین مدتی پس از سفر به هرات، در اواخر سال ۸۵۸ هجری به تشویق شاد ملک بیگم - نوه امیرزاده جهانگیر پسر امیر تیمور - این مهم را به انجام رساند.

در باره تاریخ مسافرت سید اصیل‌الدین به هرات و نام فرمائروای وقت هرات، در میان محققان و تاریخ‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال در لغت‌نامه دهخدا

۱- از سعدی تا جایی، ص ۴۷۲. حاشیه. ۲- استوری: ادبیات فارسی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳- مقدمه درج‌الذکر، ورق ۴ ب.

۴- فی الواقع بحری است مشحون از فریاد فیسده و مجموعه‌ای است سملو از فریاد بیسه از آن بحر زخار و عین قوای صورت انحرافی به ظهور بیرونند. مقدمه درج‌الذکر، ورق ۴ ب.

۵- اما به جهت آن که اکثر طباع به جانب اختصار میل دارند. مقدمه درج‌الذکر، ورق ۴ ب.

به نقل از حبیب السیر آمده که وی در روزگار سلطان حسین میرزا به هرات رفت و در آن جا اقامت گزید. در حالی که در کتاب حبیب السیر از سلطان ابوسعید<sup>۱</sup> به عنوان فرمانروای هرات در آن زمان نام برده شده است و این درست به نظر می‌رسد؛ زیرا سلطان ابوسعید از سال ۸۵۵ تا ۸۷۲ بر هرات حکم راند. اما به نظر می‌رسد، سلطان میرزا در دوره بایقرا در اواخر سال ۸۵۸ هجری به هرات رسیده باشد. در مجالس المؤمنین<sup>۲</sup> نام سلطان ابوسعید<sup>۳</sup> دیده می‌شود و دکتر حکمت نیز همین قول را آورده است، اگرچه وی نیز معتقد است که او و برادرزاده اش در زمان ابوسعید گورکانی به هرات مهاجرت کرده بود و نه سلطان حسین بایقرا<sup>۴</sup>، چنان که صاحب لغت نامه<sup>۵</sup> گفته است. اصیل الدین در دیباچه کتاب درج الدر خود درباره مهاجرتش توضیحاتی داده و می‌نویسد<sup>۶</sup>:

«فاما کثرت علائق و هجوم نوازل و بوائق و تصادم اسباب هموم و تراکم سحاب غموم و بی سامانی کاروبار و مهاجرت از مسکن و وطن و دربار و مفارقت خویش و پیوند و تبار، اتمام این مهم (ترتیب خلاصه کتاب المجتبی) را در معرفی توقف و تعلل و محبس تأخیر و تزلزل می‌انداخت، در اواخر سنه ثمان و خمسين<sup>۷</sup> و

۱- نسخه: «سعيد» اما ابوسعید درست است (چاپ ختیم، ج ۴، ص ۳۳۴).

۲- قس ۲۱۹.

۳- سلطان ابوسعید فرمانروای هفتم از خانواده تیموریان بود (رک: فرهنگ فارسی معین، ج ۵، ص ۴۰۹).

۴- حسین بن منصور بن بایقرا مکلی به ابوالغازی از سلاطین تیموری حاکم گورگان و مازندران ۸۴۳-۸۶۳ حاکم خراسان و مضافات، ۸۷۸، وفات ۹۱۲؛ وی شاعر بود و دیوان اشعاری به ترکی دارد، حسین تخلیص کرده، حسین میرزا از حامیان علم و فضل و از طرفداران جدی ادبیات و صنایع و دربارش مجمع اهل دانش و کمال بود، یک ورق از نسخه دیوان او که از نسخه اصل جدا شده، در کتابخانه دانشگاه اسلامی عینگیره مضبوط است. نسخه دیوان از کتابخانه های سلاطین مغول بوده؛ چنان که از تحریر امیرانور جهانگیر به وضوح می‌پيوند. ۵- شماره مسلسل ۸۲، ص ۲۸۵۲.

۶- ورق ۴ ب.

۷- در حاشیه خلاصه الاخبار (چاپ کابل، ص ۳۳) آقای سرور گویا تاریخ مسافرت سید اصیل الدین به هرات را سال ۸۵۷ هجری نوشته و این سهواً است. چون خود در نسخه درج الدر که در سال ۸۸۹ هجری به خط معین مسکین استنساخ شده، سال مهاجرت او را ۸۵۸ هجری است که این درست است.

ثمانمائه، بعد از حلول طامه عظمی و نزول واقعه کبری، تقدیر ربانی عنان عزیمت این فقیر جانی به طرف قبه الاسلام هرات معطوف گردانید<sup>۱</sup>.

اگرچه به طور قطع معلوم نیست که آن حادثه عظمی که در شیراز اتفاق افتاد و سید اصیل الدین را به ترک وطن مجبور ساخت، چه بود. اما از مطالب مندرج در فارسنامه ناصری<sup>۲</sup> این گونه بر می‌آید که در سال ۸۵۷ تمامت ممالک عراق عرب و عراق عجم و اصفهان و فارس در تحت اقتدار امیر جهانشاه ترکمان درآمد و استیلای شاهان تیموری بر این ممالک به پایان رسید و به مفاد آیه کریمه: ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده<sup>۳</sup> واقع شد. به احتمال فراوان منظور سید اصیل الدین از طامه عظمی و واقعه کبری همین تغییر حکومت و انتقال آن از تیموریان به ترکمنهاست.

اصیل الدین در اوایل اقامت خود در هرات مدتی سرگردان بود، اما پس از چندی مورد حمایت شاد ملک بیگم دختر سلطان محمد نوه امیر تیمور گورکانی که بانویی علم دوست و هنرپرور بود، قرار گرفت و به تشویق وی کتاب المجتبی فی سیره المصطفی را تلخیص کرد و این تلخیص را درج الدر و درج الغر نام نهاد. وی در مقدمه کتاب<sup>۴</sup> چنین آورده است:

بعد از چند وقت، فرمان صوری ضروری که از ملازمت حضرات این عرصه خیر و برکات روی نموده بود، باز باد راس آن دولت عظمی و سعادت اسنی فایز آمد. اول کویکی که از افق مقصود جمال نمود، آن بود که به ملازمت نواب کامیاب حضرت مهد علیا و سر عظمی، مزینه حریم جهانیانی، مرتبه اساس و آمال و امانی، بانیه مبانی الطاف، رافعه قواعد اعطاف، مؤسس بیان عزت و احسان، قامعه ارکان جور و ظلمیان، مستخدمه سلاطین زمان، مرتبه خواقین دوران، آن دولت پناهی که مشتری سعادت نیک اختری از طالع سعد ملازمان آن حضرت

۱- ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- سوره ۷، آیه ۲۸.

۳- مقدمه، ورق ۱۴ ب.



اکساب نموده و آفتاب عالمتاب فنون ذره پروری و صنوف مرحمت [نوازی] از مکارم اخلاق و طیب اعراق مطیعان این قبه سپهر مرتبه به فنون وسایل استفاده فرموده:

گرچه خورشید فلک چشم و چراغ عالم است ننگرد در خیمه جاهش ز فرط احتشام طیلسان مشتری را شرم از آن معجز بود کز جلالت در جوار عصمت او یافت نام المتمكنة فی وساید الحشمة و التمكن و المتكئة على الارىك العظمة بالصدق و اليقين. غوثة البرايا اجمعين. [...] و الفقرا و الصلحا و المساكين، خلاصة الماء و الطين، عصمة الاسلام و المسلمين، شاد ملك بيگم بنت السلطان بن السلطان ناشرفنا ستر العدل و الاحسان، باسط بساط النصفة و المكرمة و الامتتان الواصل الى جوار رحمة الرحيم الرحمان الحميد المبرور لمتجى الى القدس بامداد عنايت الملك الاكبر غياث الدولة و الدنيا و الدين، اميرزاده جهانگير بن السلطان الاعظم الاكرم المغفور و الخاقان الافخم المشكور، صاحب قران اقاليم السلطنة و الايالة، مربى ارباب الحكومة و البسالة، واضع قوانين العدل فى اكناف العالم، منبع اساطين العرب و العجم، مظهر تجليات الجمال و الجلال، مظهر نشأت العز و الدولة و الاقبال، النازل فى منازل الانس بعواطف الملك الصمد المستعان، قلب محور السلطنة و الدنيا و الدين امير تيمور گوركان - خلد الله ظلال عظمته و معدلته على مفارق الانام و انار براهين آياته احياء السلاطين العظام = شرف اختصاص یافت و در آن عتبة منيعه به تمهيد قواعد اخلاص و دولتخواهى که از قدیم الايام ورد خادم كمينه و وظيفه گوی دیرینه بوده و هست، قیام نموده و بانظار عاطفت حجاب نامدار حضرت عصمت شعاری مفتخر و سرافراز گشت.

وی سپس چنین می افزاید:

"چون مجلس همایون خدام دولت روزافزون آن حضرت پیوسته به استکشاف حقایق اخبار و استطلاع دقائق آثار و تفحص تواریخ اسلام و تصفح فنون سید انام

علیه الصلوة و السلام - مصروف مخصوصان این سراپرده عصمت و طهارت به اسماع اقبال و نوادر سنیه و قصص و نظایر بهیه مشغوف می باشد، بنده داعی به طریقی که مقتضی حال و مناسب مقام می نمود، شرح نسخه مجتبی و حکایت داعیه اختصار آن... و شطری از آن عبارات لایقه و سطری از آن اشارات فائقه، از محال مختلفه که در مسعوده عالی مقدار حضرت عفت و قار مزین و محللی آمد و به غایت مستحسن و مرغوب افتاد و فرمان مطاع به اتمام مجالس مذکور شرف نفاذ یافت، امتثالاً کمر مطاوعت بر میان جان بسته به روحانیت حضرت رسالت پناه - علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات - نمود... و به تحریر این مختصر مشغول شدم و دوازده مجلس به قلم آوردم..." الخ

اشتغال سید اصیل الدین

خب رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ارادت قلبی اصیل الدین به حضرت ختمی مرتبت وی را بر آن داشت تا کتاب المجتبی فی سیره المصطفی را به نگارش در آورد. چنان که خود می گوید:

"و اکثون<sup>۱</sup> مدت مدید و عهد بعید است که تا هر سان در ماه مبارک ربیع الاول به حسب اقتضای وقت و زمان، شرح میلاد سید بشر و کشف تاریخ ولادت شفیع روز محشر از آن نسخه شریفه به عرض اکابر و اشراف و متعینان اطراف از سلاطین ایام و سادات عالی مقام و قضاة اسلام و مشایخ کرام و حفاظ کلام و امرای عظام و وزرای نیکنام و صواحب انام و خواص و عوام رسانید... اما به جهت آن که اکثر طبایع به جانب اختصار میل دارند و متعارف جمهور خلائق چنان واقع شده که در دوازدهم ماه به واسطه آن که علی القول الاشهر ولادت میمون... در آن روز بوده، ختم مجالس میلادیه نمایند، به خاطر قاصر چنان می رسد که اگر از آن بحر زخار و عین فوا و صورت صوری انحرافی [؟] به ظهور



پیوندد به نوعی که امهات مقاصد مجتبی، دوازده مجلس معروض ضماین  
مخادیم و اعزّه توان ساخت<sup>۱</sup>.

به هر حال سید در مدت اقامت خود در شیراز در انجام این مقصد توفیق نیافت. اما  
چون در سال ۸۵۸ هجری به هرات رسید، به توصیه ملکه شاد ملک بیگم المجتبی فی  
سیره المصطفی را خلاصه و آن را به دوازده مجلس (فصل) تقسیم کرد. چنان که  
بر می آید، سید اصیل الدین در ایام زندگانی خود در شیراز در مجالس مختلف سخنرانی  
می کرد. او پس از سفر به هرات و اقامت در این سرزمین، برگزاری مجالس سخنرانی را  
بر اساس موضوع کتاب المجتبی فی سیره المصطفی دنبال کرده و از آغاز ماه ربیع الاول،  
هر روز به بحث در مورد یکی از فصلهای این کتاب می پرداخته و در دوازده نشست،  
دوازده مجلس کتاب خود را به پایان رسانده که اختتامیه آن در روز دوازدهم ربیع الاول  
برده است.

آن طوری که در کتابهای تاریخ و تذکره آمده<sup>۱</sup>، سید اصیل الدین طی اقامت خود در  
هرات علاوه بر ایام میلادالنبی، هفته‌ای یک بار در مدرسه مهد علیا گوهر شاد آغا  
به موعظه نشسته و به نصیحت خلابی می پرداخت.

### درگذشت سید اصیل الدین

درباره تاریخ وفات سید اصیل الدین در میان نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد.  
بنابر گفته خواندمیر در حیب السیر سید مذکور در هفدهم ربیع الاول سال ۸۸۳ هجری  
فوت کرد، در حالی که همین نویسنده، ماه وفات وی را در صفحه ۳۲۲ خلاصه الأخبار  
جمادی الآخر نوشته است. مؤلف مجالس المؤمنین تاریخ درگذشت او را هفدهم  
ربیع الاول ۸۰۳ هجری گفته است، اما این تاریخ درست نیست؛ زیرا به قول خود  
اصیل الدین وی در سال ۸۵۸ هجری رهسپار هرات شده بود. به نظر می رسد که در این  
نقل، عدد «۸» دوم از قلم افتاده باشد. همچنین دکتر علی اصغر حکمت در کتاب خود

۱- رک: حیب السیر، ج ۴؛ مجالس المؤمنین، مجلس پنجم، ص ۷-۲۲۶.



تحت عنوان از سعدی تا جامی، تاریخ وفات سید اصیل الدین را ۷۸۳ هجری نوشته که  
نادرست است و امکان دارد اشتباه چاپی باشد<sup>۱</sup>. خلاصه این که به ظن قوی، سید  
اصیل الدین در سال ۸۸۳ هجری درگذشته است. به هر حال شواهد موجود حاکی از این  
است که سید عمری طولانی داشته؛ زیرا تألیف کتاب المجتبی فی سیره المصطفی که  
به گفته خود نویسنده نگارش آن در سال ۸۲۸ هجری به پایان رسید<sup>۲</sup>، مستلزم داشتن  
معلومات فراوان است. بنابراین، سن نویسنده در سال مذکور نباید از سی سال کمتر  
باشد و با این حساب سال ولادت وی باید قبل از سال ۸۰۰ هجری بوده و هنگام رحلت  
عمرش باید بیش از هشتاد سال بوده باشد.

ذکر این نکته لازم است که به گفته استوری<sup>۳</sup> در ادبیات فارسی، سید اصیل الدین  
کتاب المجتبی فی سیره المصطفی را مختصر کرده و آن را در سال ۸۳۰ هجری در کرمان  
به نام وزیر جمال الدین ابراهیم مشهور به ابوکانجار معنون ساخته بود. خلاصه این که  
سید اصیل الدین کتاب المجتبی فی سیره المصطفی را که فی الواقع بحری است مشحون  
از فرایند نفیسه و مجموعه‌ای است مملو از فواید انیسه، در سال ۸۲۸ هجری به نگارش  
درآورد و دو سال بعد آن را تلخیص کرد. بنابراین، اعتقاد این جانب که سن سید  
اصیل الدین هنگام تصنیف کتاب المجتبی از سی سال کمتر نمی توانست باشد، درست  
است. پس از درگذشت سید اصیل الدین در سال ۸۸۳ هجری، سلطان حسین میرزا<sup>۴</sup>  
حقوق و مستمری وی را به فرزندانش اعطا کرد. آرامگاه میرزا سید<sup>۵</sup> مرحوم در جنب  
مدرسه گوهر شاد آخاست.

۱- از سعدی تا جامی، ص ۴۷۲. نیز رک: لغت نامه دهخدا، ج ۸۲، ص ۲۸۵۳.

۲- رک: مقدمه درج الذر، ورق ۴ ب.

۳- Persian Literature, Vol. I, p.184.

۴- این تاریخ در مقدمه درج الذر، نسخه عمیگره، ورق ۴ موجود است.

۵- صاحب کشف الظنون، تاریخ وفات را ۸۸۴ هجری نوشته، چاپ استانبول، ج ۱، ص ۷۳۵.

۶- در مقالات الشعرا شقایق منصور، اما در حاشیه صفحه ۵۳۶ سلطان حسین میرزا، نیز رک:

حیب السیر، ج ۴، ص ۳۲۴. - مقالات الشعرا، ص ۵۳۶.

اولاد و احفاد سید اصیل الدین

از مطالب حبیب السیر چنین بر می آید که سید اصیل الدین دارای چندین فرزند بوده است. چنان که پس از درگذشت وی سپورغالش مقرر و حقوق سید، از سوی خاقان سلطان حسین میرزا به اولاد امجادش پرداخت می شد. بنا به گفته میر قانع تتوی در مقالات الشعراء بر سر ورق جلد دوم کتاب طبقات ابن سعد<sup>۱</sup> که مخدوم ضیاء الدین تتوی آن را در ۲۵ ربیع الاول ۱۱۶۹ هجری به عاریت گرفته بود، یادداشت‌های بسیار مهمی نوشته شده است که یکی از آنها به خط سید اصیل الدین است. در این یادداشت نام دو پسر سید دیده می شود:

”من كتب الفقير الى الله الغني، عبدالله بن عبدالرحمن الحسيني، المشتهر به اصیل الدین لولدی صفي الدين محمد و برهان الدین محمد - طول الله عمرهما و جعلهما من العلماء الراسخين“

برادرزاده سید اصیل الدین

برادرزاده سید، امیر جمال الدین عطاء الله<sup>۲</sup> بن فضل الله بن سید عبدالرحمن، خود از شخصیت‌های صاحب نامی است که نیاز به معرفی وی نیست. خواندمیر در حبیب السیر<sup>۳</sup> و شوشتری در مجالس المؤمنین<sup>۴</sup>، وی را مورد ستایش فراوان قرار داده‌اند. میر قانع تتوی که از خاندان جمال الدین عطاء الله بود، در مقالات الشعراء قولهای حبیب السیر و مجالس المؤمنین را عیناً نقل کرده است. در حبیب السیر آمده است:

۱- ص ۹-۵۶۸

۲- طبقات الصحابه والتابعين معروف به طبقات الكبير ابن سعد از ابو عبدالله محمد بن سعد الزبيري البصري كاتب الباقدي (۲۳۰-۱۶۸ هـ). این کتاب در لیدن از ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۱ میلادی به چاپ رسیده.

۳- به قول دکتر علی اصغر حکمت در کتاب از سعدی تا جامی (در حاشیه ص ۴۷۲) نوشته که این سید (اصیل الدین) و برادرزاده او در زمان ابوسعید گورکان از شیراز به هرات مهاجرت کرده‌اند. تاریخ مهاجرت اول الذکر اواخر سال ۸۵۸ هجری است. معلوم نیست که برادرزاده‌اش نیز همین زمان شیراز را ترک گفته یا بعد از آن.

۴- ص ۹-۳۵۸

۵- مجلس پنجم، ص ۲۲۷

”سده سنیه اش ملاذ طوایف اکابر و اطراف نام و عتبه عالیه اش مجمع اعظم اولاد امجاد خیر الانام بود. لوح ضمیر منیر مهر تنویرش مطرح اشعه انوار اسرار کتب الهی و صحیفه خاطر عالی تأثیرش [مهبط] لوامع حقایق اخبار حضرت رسالت پناهی، گنجینه سینه اش به جواهر زواهر علوم شرع منیر شمایل نبوی از مشارق جمال خجسته مالکش طالع و ششعه آثار فضایل مرتضوی از مطالع خصایل علم و کمالش لامع، رأی عالم آرایش کشف اسرار معالم تنزیل و طبع مشکل گشایش حلال معضلات مؤلف تأویل.

زبانش مظهر اسرار تحقیق  
جمال دین مزین زاهتمامش  
ضمیرش منظر انوار توفیق  
علوم شرع حاصل از کلامش  
ز توضیح بیانش گشته روشن  
بر اهل علم هر مشکل زهر فن

و آن حضرت مانند عم بزرگوارش - امیر اصیل الدین - در علم حدیث بی نظیر آفاق گشته، در سایر اقسام علوم دینی و انواع فنون یقینیه از محدثان به استحقاق درگذشته، چند سال در مدرسه شریفه سلطانیه<sup>۱</sup> در گنبدی که در آن مقبره حضرت خاقان منصور است و در خانقاه اخلاصیه<sup>۲</sup> به درس و افاده اشتغال داشتند و در هفته یک نوبت در مسجد جامع<sup>۳</sup> دارالسلطنت هرات به قلم هدایت ازلی، رقم ارشاد و نصیحت بر لوح خاطر اعظم اشراف و اکابر می نگاشتند، اما

۱- یکی از مشهورترین مدارس آن دوره، بنا کرده سلطان حسین میرزا بایقرا بود. مورخان مانند صاحب خلاصه الاخبار این مدرسه را بسیار ستوده‌اند و شاعرانی مانند چمنی و دیگران در مدح آن اشعار سروده. حتی بیاه الدین عاملی در کشکول خود در وصف این مدرسه اشعاری به عربی سروده است. فزونی استرآبادی در کتاب خود بخیره چاپ تهران، ص ۶۰۵ نوشته: در این سال یعنی ۱۰۲۳ مانند مدرسه میرزا در کل ایران و توران مدرسه‌ای به شکوه و عفا نیست. نیز رک: مقالات الشعراء، ص ۵۱ حاشیه.

۲- خانقاه اخلاصیه و مدرسه اخلاصیه هر دو بنا کرده میر علی شیرنوازی بود. رک: مقالات الشعراء، ص ۵۴۱ حاشیه.

۳- در هرات دو مسجد جامع بود، یکی بنا کرده سلطان غیاث الدین ابوالفتح بن سام غوری و دیگری بنا کرده امیر شیر علی نوازی بود. معلوم نیست منظور مصنف کدام مسجد جامع است (رک: مقالات الشعراء، ص ۵۴۲ حاشیه).

الحال بنا بر موجب عزلت و گوشه نشینی به امثال این امور التفات نمی نمایند و تمامی اوقات خجسته ساعات در عبادت ساخته، به ادخار ثبوتات اخروی مشغول می فرمایند. سلاطین ایام و حکمای اسلام به اقسام ارادت و اعتقاد، ملازمت آن حضرت را بر ذمه همت واجب می دانند و در ترفیه حال و فراغت بال به آن خدام عالی مقام طریقه اشفاق مبذول می دارند، آنچه می توانند از مؤلفات فصاحت صفات حضرت نقابت پناه، روضه الاحباب فی سیرالنبی و الآل و الاصحاب، در آفاق اشتهار تمام دارد و بی شائبه شبه عقل و ادراک، نظیر آن کتاب افادت مآب را در آیینته خیال امر محال می شمارد<sup>۱</sup>.

و ولد ارشد امجد آن حضرت امیر نسیم الدین<sup>۱</sup> محمد که به میرک شاه مشهور است، ایضاً در تکمیل علوم و فنون - سیما - علم حدیث یگانه زمانند و به موجب تعیین حضرت - انا الله برهانه - در مقبره منوره مذکوره قابم مقام پدر بزرگوار خویش بوده به لوازم درس و افاده قیام می نمایند و زمره ای از طلبه او از نتایج طبع نقاد آن جناب مستفید و بهره مند می گردند.

صاحب حیب السیر در خلاصه الاخبار<sup>۲</sup> خود نیز می نویسد:

"سید موصوف) در اقسام علوم دینی و اقسام فنون یقینیه مهارت کامل دارد و به تخصیص در علم شریف حدیث که بی شائبه تکلف در این اوقات و اوان نزدیک دانشیان حدیث مثل او محدثی در دیار خراسان پیدا نگشته و زبان فصاحت بیانش گاشف حقایق الهی و قلم معجز نشانش مظهر دقایق احادیث حضرت رسالت پناهی... گاهی به قدم صدق و نیاز به آستان علیه مقرب الحضرة (علی شیرنوازی) می آید و امیر دریا دل نیز در ابتدای ایام دولت شهریار عادل تا این غایت به نوعی در عظم شأن و رفعت مکان آن جناب سعی و اجتهاد نموده اند که دور و نزدیک و ترک و تاجیک در بحر حیرت افتاده اند و انگشت تعجب

۱- چاپ کابل، ص ۴۲.

۱- رک: مجالس المؤمنین، ص ۲۲۰.

به دندان گرفته".

شاه ولی الله محدث دهلوی (م: ۱۱۷۴ هـ) کتاب مشکوة المصابیح را از طریق امیر جمال الدین عطاء الله صاحب ترجمه بدین طور نقل کرده است:

"حضرت شیخ ابوطاهر از شیخ ابراهیم کردی و ایشان از شیخ احمد قشاشی و ایشان از شیخ احمد بن عبدالقدوس شناوی و ایشان از سید غضنفر بن شیخ مگه بودند و ایشان از سید نسیم الدین میرک شاه و ایشان از والد بزرگوار خود سید جمال الدین عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله بن سید عبدالرحمن و ایشان از عم عالی مقدار خود سید اصیل الدین عبدالله بن عبدالرحمن بن عبداللطیف بن جلال الدین یحیی شیرازی الحسینی و ایشان از سند وقت محدث عصر شرف الدین عبدالرحیم بن عبدالکریم النجری صدیقی و ایشان از علاقه عصر امام الدین مبارک شاه ساوجی صدیقی و ایشان از مؤلف کتاب ولی الدین محمد بن عبدالله بن الخطیب التبریزی<sup>۱</sup>.

از نوشته استوری در کتابش ادبیات فارسی (ص ۱۸۹) معلوم می شود که روضه الاحباب در سال ۹۰۰ هجری تألیف شده است. در حالی که از مقدمه روضه الاحباب واضح می شود این کتاب به استجازت<sup>۲</sup> عم بزرگوار مؤلف یعنی سید اصیل الدین شیرازی که در آن هنگام زنده بود، نوشته شد و چون به طور قطع معلوم است که این قبل از سال ۸۸۳ هجری بود، این ابهام وجود دارد که استوری از چه مأخذی تاریخ تألیف این کتاب را ۹۰۰ هجری نوشته است.

درگذشت امیر به گفته استوری به استناد طبقات شاهجهانی در سال ۹۲۶ هجری رویداده است<sup>۳</sup>. صاحب کشف الظنون<sup>۴</sup> نیز همین تاریخ را نقل کرده و در بعضی مصادر دیگر تاریخ وفات وی ۹۳۰ هجری ذکر شده است<sup>۵</sup>. در واقعات بابری چنین آمده است:

۱- عجلاله فافعه از شاه عبدالعزیز بن شاه ولی الله. چاپ محمدی، کابل، ۱۲۹۲: ص ۲۲۹.

۲- مقدمه کتاب، ص ۴-۵، و نیز حاشیه ص ۲. ۳- تاریخ ادبیات فارسی، ص ۱۸۹.

۴- ج ۱، ص ۹۲۳. ۵- مقالات الشعراء، ص ۵۴۷.



"دیگر جمال الدین محدث بود، در خراسان در فن حدیث، محدثی نظیرش یافت نمی شود، خیلی معمر است و تا این تاریخ زنده".<sup>۱</sup>

"روضه الاحباب یکی از معروف ترین کتاب در فن سیر و رجال است. این کتاب چنان که نویسنده اش سید جمال الدین نوشته بنابر اشارات عموی او یعنی اصیل الدین که مرشدش<sup>۲</sup> هم بوده، نوشته شده و مشتمل بر سه مقصد است:

مقصد اول در سیره حضرت رسالت پناه، در سه باب

باب اول: در بیان نسب اطهر،

باب دوم: در ذکر ولادت و آنچه متعلق به اوست و شرح احوال و غزوات و غیر آن.

باب سوم: در مسمات و مکملات من سیوت، در هشت فصل.

فصل اول : در بیان عدد ازواج و سراری.

فصل دوم : در بیان عدد اولاد آن حضرت - صلعم.

فصل سوم : در بیان تعداد معجزات.

فصل چهارم : در ذکر اوصاف و شمایل.

فصل پنجم : در ذکر عبادات.

فصل ششم : در ذکر عبادات.

فصل هفتم : در ذکر مخصوصات.

فصل هشتم : در ذکر خدام و موالی.

۱- در حاشیه مقالات الشعراء ص ۵۶۷ است (۹۱۱ هـ) اما در ترجمه انگلیسی ص ۲۸۴ در ترمین ۹۳۴ تا ۹۳۸ هجری درج است. حال آن که این حوادث ذیل سال ۹۱۱ هجری مندرج شد.  
 ۲- چنان که خود مؤلف در مقدمه کتاب ص ۴-۲ گوید: "پس از استیلاء مخدومی و عقی و استادی و سیدی و سندی و مولای و اعتمادی، المخدومی عقی الاطلاق و المتبوع فی الصورة والمعنی بالاستحقاق السید السنن المؤید بن عبدالله اصیل الحق و الشریع و التقوی و الدین عبدالله - مع الله المسلمین بطون بقره - که این فقیر حقیر هر چه یافته به واسطه حدیث آستانه آن حضرت و بمن یزیت ایشان یافته... بدین مهم خطیر شروع نمودم.. و آن را روضه الاحباب فی السیر النبوی و الال و الاصحاب نام ساختم."

مقصد دوم در معرفت احوال صحابه، در سه باب

باب اول : در معرفت رجال صحابه.

باب دوم : در معرفت نساء صحابه.

باب سوم : در ذکر تابعین و مشاهیر ائمه حدیث.

مقصد سوم در سه باب

باب اول : در ذکر تابعین.

باب دوم : در بیان تبع تابعین.

باب سوم : در بیان جماعتی که بعد از تبع بودند.

این کتاب به خاطر اهمیت و شهرت، در سال ۱۳۰۸ هجری در مطبع انوار محمدی در شهر لکنه به چاپ رسید و هم اکنون نسخه های آن در بسیاری از کتابخانه ها یافت می شود. نسخه ای نادر از این اثر در دو مجلد به خط مصنف در کتابخانه آقای سرور گویا (کابل) بود<sup>۱</sup> و یک نسخه ناقص آن که تقریباً در عصر مصنف کتابت شده، در مشهد موجود است. استوری در کتاب ادبیات فارسی به ذکر بعضی از نسخه ها پرداخته<sup>۲</sup> که در زمان حیات نویسنده رونویسی شده بود.

شاه عبدالعزیز دهلوی در عجالة نافعه<sup>۳</sup> می گوید:

"بالتفعل نسخه صحیح روضه الاحباب میر جمال حسینی اگر بهم رسد که خالی از

الحاق باشد، بهتر از همه تصانیف این باب است."

آثار سید اصیل الدین عبدالله بن عبدالرحمن حسینی

سید اصیل الدین واعظ چندین تألیف دارد. از آن جمله کتاب المجتبی فی سیره المصطفی "که فی الواقع بحری است مشحون از فرایند نقیسه"<sup>۴</sup> که خود نویسنده هر سال در ماه ربیع الاول در مجالس میلاد روایات همین اثر را مبنای سخنرانی های خود قرار

۱- ر.ک: مقالات الشعراء، ص ۵۳۸-۹ حاشیه. ۲- ص ۹۰-۱۸۹. ۳- مقدمه درج الذر، ۴ الف. ص ۱۰۶.

می‌داد. این کتاب مشتمل بر سی و هشت مجالس بود، اما اکنون نسخه‌ای از این کتاب مکشوف نیست و چنان‌که سید اصیل‌الدین در مقدمهٔ درج‌الذکر نوشته، المجتبی<sup>۱</sup> در بیست و هشت هجری به اتمام رسیده بود که به ظن قوی مراد از بیست و هشت هجری، سال هشتصد و بیست و هشت است و این استنباط از آن‌جا درست به نظر می‌آید که خود نویسنده در سال ۸۳۰ هجری کتاب المجتبی را مختصر ساخته و آن را المجتبی من کتاب المجتبی نام نهاده و در شهر کرمان آن را به وزیر جمائل‌الدین ابوکائنجان<sup>۲</sup> اهدا کرده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، سه اصل و یک خاتمه است. استوری در اثر خود از نسخهٔ شاهد علی یاشا ۱۸۹۷ = ۱۸۴ نام برده است.

سومین اثر اصیل‌الدین درج‌الذکر و درج‌الغرض فی میلاد سیدالبشر<sup>۳</sup> نام دارد که نگارش آن در میان سالهای ۸۶۳ و ۸۶۷ هجری در شهر هرات به پایان رسیده است. وی مقدمهٔ کتاب را به اختصار در اواخر ۸۵۸ هجری نگاشت<sup>۴</sup>، اما تکمیل کتاب برای مدتی به تأخیر افتاد و چون در هرات به خدمت شاد ملک بیگم راه یافت، به تشویق وی این کار را دوباره آغاز کرد و در سال ۸۶۷ هجری آن را به پایان رساند. دربارهٔ این کتاب شرح مفصلی خواهد آمد.

اثر چهارم سید، رسالهٔ مزارات هرات نام دارد که وی آن را در دوران اقامت در هرات نوشت. این رساله که به نام مقصدالاقبال السلطانیه و مرصدالآمال الخاقانیه<sup>۵</sup> شهرت دارد به درخواست سلطان ابوسعید گورکانی (۷۲-۸۵۵) در سال ۸۶۴ هجری به نگارش

۱- مقدمهٔ درج‌الذکر. ۴ الف.

2- Storey, C.A: *Persian Literature*, p.104.

۳- کذا فی ابتداء مجلس اول، ثانی در مجلس دوم ۳۲ الف: فی شرح.

۴- اول سد مجلس در سال ۸۶۳ و نه مجلس دیگر در سال ۸۶۷ هجری به پایان رسیده و این تفصیلات در ابتدای هر مجلس به خط نسخ یافت می‌شود. ۵- رک: مقدمهٔ درج‌الذکر، نسخهٔ علیگروه.

۶- حاشیهٔ مقالات الشعراء، ص ۲۳۹، العمال الخاقانیه. در فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزهٔ کراچی، ص ۸-۶۹۷: مقصدالاقبال سلطانیه و مرصدالآمال خاقانیه یعنی سلطانیه و خاقانیه هر دو بدون الف لام.

درآمد. این کتاب<sup>۱</sup> مشتمل بر شرح احوال ۲۰۹ تن از علما و مشایخ و درویش است. پس از مقدمه، مسایل زیارت، آداب و شرایط آن درج شده و پس از آن شرح احوال مشایخ و علما نوشته شده است. اولین شرح حال در این اثر، مربوط به سید عبدالله بن معاویه (م: ۱۳۴-۱۲۹) و آخرین آن دربارهٔ مولانا زاهد طعلکانی (۸۶۴) است. این رساله با مقدمهٔ فکری سلجوقی در کابل در سال ۱۹۶۷ میلادی به همراه رسالهٔ دیگری از عیبدالله بن ابوسعید هروی (تألیف ۱۱۹۸ ه) به چاپ رسید. عیبدالله در مقدمه<sup>۲</sup> چنین می‌نویسد:

"اکنون ۳۳۴ سال از تألیف رسالهٔ مزارات هرات از اصیل‌الدین واعظ می‌گذرد. اما کسی به این فکر نیفتاده که احوال اصیل‌الدین و بزرگانی را که بعد از او در هرات بوده‌اند بنویسد، نگارندهٔ این رساله یعنی عیبدالله همین کار را کرده است."

استوری<sup>۴</sup> می‌گوید که به گفتهٔ خواندمیر رسالهٔ دیگری به نام مزارات شیراز نیز از آثار اصیل‌الدین واعظ است. اما این اطلاع در حیب‌السیر تألیف خواندمیر دیده نمی‌شود و اشتباهی که ناشی از اشتباه فهرست نگار<sup>۵</sup> کتابخانهٔ خدا بخش، بانکی پور، پتنا در ایالت بیهار است که در فهرست نسخه‌های خطی، رسالهٔ مزارات هرات را به نقل از صاحب حیب‌السیر به اشتباه رسالهٔ مزارات شیراز نوشته و استوری با استناد به فهرست نگار مزبور بر این تصور بوده که رسالهٔ مزارات شیراز اثری غیر از رسالهٔ مزارات هرات است.

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزهٔ کراچی، ص ۶۹۷.

۲- فهرست موزهٔ ملی پاکستان، ص ۸-۶۹۷، ذیل رسالهٔ مزارات هرات. در مقالات الشعراء، ص ۵۳۵ حاشیه آمده است که این رساله نیز ضمیمهٔ عبدالله ابوسعید هروی به اهتمام آقای عبدالکریم احزازی در سال ۱۳۱۰ هجری چاپ شده و آقای دکتر حکمت نیز در کتاب از سعدی تا جامی، ص ۲۷۴ حاشیه دربارهٔ همین چاپ ذکر کرده. گویا این چاپ اول باشد و چاپ دوم به اهتمام فکری سلجوقی در کابل باشد.

۳- این اطلاع از فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزهٔ کراچی، ص ۸-۶۹۷ گرفته شد.

4- Storey, C.A: *Persian Literature*, Vol. I, p.183.

۵- ج ۶، شمارهٔ مخطوطه، ۴۸۵.



حالی آن که فهرست نگار بر اثر یک اشتباه، رساله مزارات هرات را رساله مزارت شیراز نوشته است. خلاصه آن که رساله مزارات شیراز از آثار سید اصیل‌الدین نیست.

### درج الذرر و درج الغرر فی میلاد سیدالبشر

چنان که معلوم است سید اصیل‌الدین شیرازی دانشمندی بزرگ، عارفی نکته شناس و نویسنده‌ای معروف بود و کتاب درج الذرر بر علم و فضل وی دلالت دارد؛ همان طور که خود مصنف در ابتدای هر مجلس (فصل) توضیح می‌دهد مبنای کتاب، کتب حدیث، تاریخ، سیر، تفسیر، تصوف و اسماء الرجال و سایر فنون بوده است.

درج الذرر تلخیص اثر بزرگی به نام المجتبی فی سیره المصطفی بوده و بنا بر رعایت طبایع اکثر مردم سید اصیل‌الدین تصمیم به خلاصه کردن این کتاب گرفت. اما بنا بر کثرت عوایق، اتمام این مهم در وطن او شیراز میسر نشد. چنان که خود در مقدمه کتاب می‌نویسد:

”به خاطر قاصد چنان رسید که اگر از آن بحر زخار و عین فوار صورت انحرافی به ظهور پیوندد، به نوعی که امهات مقاصد نسخه مجتبی در دوازده مجلس معروض ضمائم مخادیم و اعزه توان ساخت فاما کثرت علایق و هجوم نوازل و بوائق و نصادم اسباب هموم و تراکم سحاب غموم و بی‌سامانی کاروبار و مهاجرت از مسکن و دیار و مفارقت خویش و پیوند و تبار، اتمام این مهم را در معرض توقف و تعلل و محبس تأخیر و تزلزل می‌انداخت.”

همان گونه که قبلاً گفته شد، سید اصیل‌الدین در اواخر ۸۵۸ هجری به هرات مهاجرت کرد و چون به دستگاه شاد ملک بیگم نوه علم دوست و هنرپرور امیرزاده جهانگیر بن امیر تیمور گورکانی راه یافت، قدری اطمینان خاطر نصیب او شد. خاتون مزبور به تاریخ اسلام و مخصوصاً احوال سید المرسلین محمد - صلی الله علیه و سلم - علاقه فراوان داشت. روزی سید اصیل‌الدین شرح نسخه مجتبی و حکایت آرزوی خود برای به اختصار در آوردن آن به همراه بعضی از اجزای آن «مختصر» را به عرض خانم



رساند. شاد ملک بیگم از این کوشش سید استقبال کرد و فرمان به اتمام مجالس کتاب داد. به‌گونه‌ای که نویسنده کتاب به تحریر این مختصر مشغول شد و دوازده مجلس به قلم آورد و عبارات خود را به اشعار اساتذۀ قدیم و هم زمان بیاراست و هر مجلس به ایراد حرفیه مناسب مضمون آن ختم نمود و آن را درج الذرر و درج الغرر فی میلاد سیدالبشر نام نهاد و تحفه مجلس سامی و هدیه مجلس گرامی نواب حضرت مهد اعلی ساخت.”

### مندرجات کتاب

درج الذرر مشتمل بر دوازده مجلس است. بعضی از مندرجات مهم مجالس دوازده‌گانه از روی فهرست مخطوطات فارسی بانک پور، پنا (ایالت بیهار)، ج ۶، ص ۹۹-۹۴ در ذیل درج می‌شود:

مجلس اول: وصیت در نهادن نور محمدی - صلی الله علیه و سلم - شیث تا عبدالله، ورق ۱۳ الف.

مجلس دوم: نقل صحیفه آدم در احوال آن حضرت - صلعم - ورق ۲۴ ب.  
ذکر بشارت نوح نبی و ابراهیم - علیهما السلام - به وجود شریف - علیه السلام - ورق ۲۵ الف.

ذکر بشارت قورات و زبور و انجیل به وجود شریف - علیه السلام - ورق ۲۶ الف.  
شاهد اول: حکایت تبع اکبر و احبار و یهود، ورق ۲۹ الف.  
شاهد دوم: حکایت سیف ذی یزن حاکم حبشه، ورق ۳۰ الف.

نقل ابو عامر راهب از زبان جنیان، ورق ۳۲ الف.  
ذکر واقعه مرتد بن عبد کلال و تعبیر کردن کاهنه خواب او را و خبر دادن او از ظهور نبوت سیدالبشر، ورق ۳۴ الف.

ذکر خواب عبدالمطلب و دلالت آن بر وجود سید المرسلین، ورق ۳۶ ب.  
علامات مدت حمل آن حضرت - صلعم - ورق ۴۰ ب.

حوادث وقایع و کرامات شب ولادت آن حضرت - صلعم - ورق ۴۱.  
 مجلس سوم: ذکر کشیدن آن حضرت شیر مادر خود آمنه، هشت روز، ورق ۵۴ الف.  
 بیان داب قبایل عرب و بردن حلیمه آن حضرت را به اجرت دایگی، ورق ۵۴ ب.  
 در سال ششم از ولادت، آمنه را داعیه پرسش خویشان مادری، ورق ۵۸ الف.  
 در سال هفتم از ولادت خواجه کائنات، عبدالمطلب با بعضی از اشراف مکه جهت  
 تهنیت سلطنت سیف بن ذی یزن به جانب حبشه رفتند، ورق ۵۸ ب.  
 در سال هشتم از ولادت، فوت عبدالمطلب، در سال نهم آن حضرت - صلعم - همراه  
 ابوطالب متوجه شام شدند، ورق ۵۹ الف.  
 در سال یازدهم نوبتی دیگر شق الصدر به وقوع پیوست، ورق ۵۹ ب.  
 مجلس چهارم: ذکر مبدأ و مناجات نبویه در غار حرا و ذکر عبادات آن حضرت قبل  
 از نبوت، ورق ۷۲ ب.  
 ذکر نزول جبرئیل بر آن حضرت - صلعم - ورق ۷۴ ب.  
 ذکر اسلام ورقه بن نوفل و خدیجه کبری و علی بن ابی طالب و ابوبکر صدیق و  
 جمعی دیگر و ذکر صفت نزول وحی، ورق ۷۶ الف.  
 ذکر هجرت مسلمانان به حبشه، ورق ۷۸ ب.  
 ذکر اسلام حمزه بن عبدالمطلب و عمر خطاب، ورق ۸۱ الف.  
 ذکر واقعه بعاث، غلبه فارس بر روم، معاهده قریش و محبوس گشتن مسلمانان در  
 شعب ابوطالب و ذکر خروج ایشان از شعب و وفات ابوطالب.  
 ذکر تاریخ وفات حضرت خدیجه الکبری و اولاد او از پیغمبر - صلعم - ورق ۸۴ الف.  
 ذکر معادات قریش و کفالت ابوطالب آن حضرت را و توجه فرمودن آن حضرت  
 به جانب طایف، ورق ۸۶ ب.  
 ذکر رسیدن و قد اجته به ملازمت آن حضرت، ورق ۸۸ الف.  
 ذکر توجه فرمودن آن حضرت از... نخله به جانب مکه، ورق ۸۸ ب.

ذکر نکاح عایشه صدیقه و سوده و ذکر اسلام انصار، ورق ۸۹ الف.  
 مجلس پنجم: قصه معراج آن حضرت، ورق ۹۳ ب.  
 بیان بیعت عقبه ثانیه، ورق ۱۰۲ ب.  
 مجلس ششم: ذکر خروج پیغمبر با ابوبکر از غار و رفتن ایشان به مدینه.  
 ذکر وفات و فضایل عایشه صدیقه.  
 ذکر حوادث سال دوم از هجرت و ذکر تزویج علی (ع) و فاطمه زهرا (س)، غزوه بدر  
 کبری، ورق ۱۲۵ الف.  
 مجلس هفتم: غزوات آن حضرت، ورق ۱۳۵ الف.  
 ولادت حضرت حسین (ع)، ورق ۱۵۲ ب.  
 مجلس هشتم: قصه زید و زینب، ورق ۱۵۸ ب.  
 غزوات، ورق ۱۶۰ الف.  
 وفود به هرقل و کسری و غیره و مضمون مکتوب به نام هرقل و دیگران، ورق ۱۷۶.  
 مجلس نهم: غزوه خیبر، ورق ۱۸۴ ب.  
 بیان زفاف ام حبیبه دختر ابوسفیان، ورق ۱۸۹ الف.  
 فتح مکه، ورق ۱۹۴ ب.  
 غزوه حنین، ورق ۲۰۱ الف.  
 تولد ابراهیم پسر آن حضرت - صلعم - و وفات زینب، ورق ۲۰۵ الف.  
 مجلس دهم: غزوه تبوک، ورق ۲۱۱ ب.  
 فرستادن علی بن ابی طالب را با جمعی به قبیله طی، ورق ۲۱۷ ب.  
 فرستادن ابوبکر صدیق را همراه سیصد نفر برای گزاردن حج، ورق ۲۱۸ ب.  
 بیان آمدن مسیلمه کذاب به مدینه، ورق ۲۲۰ الف.  
 بیان توجه معاذ بن جبل از اکناف یمن، ورق ۲۲۱ الف.  
 بیان حجة الوداع، ورق ۲۲۱ الف.



قصه غدیر خم، مآکولات، مشروبات و ملبوسات آن حضرت - صلعم - ورق ۲۲۶ ب.  
بیان وقایع کلیه که در آخر عمر آن حضرت واقع شد، ورق ۲۳۰ ب.

بیان رفتن خالد بن ولید به سر طلیحه که دعوی نبوت کرده، ورق ۲۳۲ الف.

مجلس یازدهم: بیان اسمای شریف که نود و هفت‌اند و القاب مستطاب نبوت مآب  
آن حضرت، ورق ۲۳۸.

بیان افعال و اوضاع آن حضرت - صلعم - در چند قسم، ورق ۲۴۱.

مجلس دوازدهم: ذکر وفات آن حضرت - صلعم - بیان اثاثیه آن حضرت - صلعم - و  
متفرقات از قسم اسلحه و دواب و غیره، ورق ۲۶۸ الف.

پیش از این گفته شد که درج‌الدور به نام شاد ملک بیگم دختر امیرزاده جهانگیر نوه  
امیر تیمور تهیه شده بود، چنان‌که نویسنده کتاب چندین بار به ستایش این زن با شوهر و  
فراست پرداخت. از آن جمله در مقدمه کتاب، مجالس هشتم و دهم و خاتمه کتاب - در  
این باب جملائی از مقدمه کتاب قبلاً نقل شد و اکنون چند جمله از خاتمه کتاب<sup>۱</sup> در ذیل  
درج می‌شود:

"الی مسند طهارت، مهد نصارت، به فو ذات میمون و عز عنصر همایون. حضرت مهد  
اعلی و بانویه اسنی، به بلقیس العهد و الزمان، زبیده العصر و الاوان، دره اصداق  
السلطنه و الخلافة، اشرف المعدلة و النصفة و انوافة، نتیجة اماجد الخواقین العظام،  
سلالة اعظام السلاطین الکرام، مرتبة قواعد الخیرات المبررات فی الدنیا و الدین، مویبة  
العلما و الفضلا و الصالحین اجمعین.

جود پیدا و وجود از نظر خلق نهان نام در عالم و خود در کنف خلق خدای...  
عصمة الدنیا و الدین، صفوة الاسلام و المسلمین، شاد ملک بیگم... خلد الله تعالی  
ظلال رحمته و ضاعف مورد مکرمته... از اسباب دولت و کامرانی لحظه به لحظه  
در نظر خدام و ملازمان این مجلس عالی محقق و معین شومای، لله النحمد و المنة.

۱- درج‌الدور، ورق ۳۸۸ ب.

به واسطه آنک غرض از ترتیب این همه تصدیع، تأکید معاهد دعای دولت مدام  
فرقد مقام است، عنان سخن به صوب دعاگوی معطوف ساختن، اوجب و اولی  
می‌نماید؛ اگرچه قوت ناطقه داعی در اعلی مرتبه کمال باشد - فی جمیع الفصول  
والابواب. نظم:

چو به دریای ثنای تو رسید	کشتی وهم فتد در غرقاب
سپری هم نشود مدحت تو	ور بسازند دو صد پاره کتاب
تا که اسباب جهان ساخته است	در جهان ساخته بادت اسباب
خیمه دولت و اقبال ترا	در... ادب بسته طناب
رای تو در همه اندیشه مصیب	خصم تو در همه احوال مصاب
عمر فرخنده به شادی گذران	در جهان هر چه مرادست بیاب
*	
چون دعا می‌کنم به دولت تو	بر فلک می‌کند ملک، آمین

### تاریخ اتمام درج‌الدور

چنان‌که ذکر آن رفت، سید اصیل‌الدین خیلی مایل بود کتاب حجیم مجتبی را  
تدخیص کند. اما در مدت اقامت در وطن به این کار توفیق نیافت. وی چندی پس از  
۸۵۸ هجری به هرات مهاجرت کرد و در آن سرزمین نیز چندی سرگردان ماند. اما چون  
به خدمت شاد ملک بیگم راه یافت، به امر این ملکه هنر دوست و علم پرور در کار تألیف  
درج‌الدور اهتمام ورزید و به ظن قوی در ظرف چهار سال آن را به پایان رساند. از نسخه  
خطی که در کتابخانه دانشگاه اسلامی وجود دارد، چنین بر می‌آید که به طور قطع  
نگارش سه مجلس اول کتاب در سال ۸۶۴ هجری به پایان رسیده است و پس از آن کار  
تدخیص به تعویق افتاد. اما وی که مجلس بقیه را در سال ۸۶۷ هجری به اتمام رساند. ذکر  
این تاریخ در اوایل مجالس چهارم، ششم، هفتم، نهم و دهم دیده می‌شود. کاتب نسخه  
همراه تاریخ تصنیف کتاب که به قلم خود نویسنده بود، تاریخ کتابت آن را ۸۸۹ هجری

به طور واضح در ضمن مجالس مختلف درج کرده است و پس از اختتام کتاب، آن را از ابتدا تا پایان با نسخه اصلی که به قلم خود نویسنده است، مقابله کرده و در آخر کتاب چنین آورده است:

"تمت الكتاب درج الدرر فی شهر ذی‌الحجه سنة تسع و ثمانین و ثمانمائه در همین قسمت، تاریخ مقابله نسخه رونویس شده با نسخه اصلی این گونه آمده است: قویل مع نسخه مصنف (سید اصیل‌الدین) - تغمد الله بغفرانه و اسکنه فرادیس جنانه - بمعنی العبد المستکین معین مسکین - تجاوز الله عنه و قد تم فی اواخر ذی‌الحجه سنة تسع و ثمانین و ثمانمائه. اللهم اغفر لکاتبه و مستکبه و لمن نظر فيه."

در خاتمه مجلس هفتم ورق ۲۲۶ ب آمده است:

"و قد وقع الفراغ عن اتمام هذا المجلس الشريف ليلة الاربعاء الرابع من شهر جمادى الاخرى المنتظم فی شهر سنة سبع و ستین و ثمانمائه (۸۶۷) الهجرية على يد مؤلفه و جامعه الفقير الى الله الغني عبدالله بن عبدالرحمن الحسيني، المشتهر به اصیل - اصلح الله احواله و حقق آماله. در ادامه عبارت ذیل درج است: و قد نقل هذا من خطه - الشريف اوصله الله الى درجات الجنان - و قویل مع اصله فی ليلة الاربعاء التاسع من جمادى الاولى سنة تسع و ثمانین و ثمانمائه."

باید علاوه نمود که عبارتی را که در خاتمه مجلس هفتم به دست مؤلف یعنی سید اصیل‌الدین در نسخه اصل خودش بود، کاتب نسخه هذا یعنی معین مسکین عیناً نقل کرده و زیر آن عبارت، تاریخ کتابت و مقابله با نسخه اصل نیز درج نموده است. عبارت مندرج در ابتدای مجلس ثانی، تاریخ آغاز کتاب را چنین نوشته است:

"المجلس الثاني من كتاب درج الدرر و درج الغرر فی شرح سید البشر و شفیع المنفع فی المحشر، المستخرج من كتب الاخبار و التواريخ و السير و المنتقى من تالیف المحققین فی علوم التفسیر و الحدیث و التصوف و أسماء الرجال و سائر الفنون المعبر، عند اهل الايقان و النظر، من مؤلفات الفقير الى الله الغني، خادم الحديث النبوي، عبدالله بن

عبدالرحمن الحسيني، المشتهر بين كامل لافظ باصیل الواعظ - اصلح الله احواله و حقق آماله. و قد ابتدأ بتبييضه فی اواخر صفر ختم بالظفر من شهر سنة ثلاث و ستین و ثمانمائه فی قبة الاسلام هراة...

نقلته عن خط المؤلف - قدس الله روحه و اسبغ فتوحه (ورق ۳۲ الف).

در آغاز مجلس سوم پس از جملات ابتدا تا حقق آماله آمده:

"و قد وقع الافتتاح بتبييضه فی صبح يوم الخميس السادس و العشرين من شهر ربيع الاول سنة ثلاث و ستین و ثمانمائه فی قبة الاسلام هرات... (ورق ۶۶) نقلت هذا من خط المصنف - تغمد الله بغفرانه و اسکنه فرادیس جنانه بقضله و امتنانه."

مجلس... در ماه ربيع الاول سنة ۸۶۷ هجری نوشته شده و در اواخر ربيع الثاني ۸۸۹

معین مسکین این مجلس را کتابت کرده است (ورق ۱۰۲ الف).

در مجلس سادس پس از جملات آغازین چنین آمده است:

و قد وقع الافتتاح بتبييضه ليلة الاربعاء الثاني من شهر ربيع الاول المنتظم فی شهر سنة سبع و ستین و ثمانمائه.

و قد نقلت هذه... من خطه الشريف و قابلت هذا المجالس مع اصله المنيف الذي بيد المصنف - تغمد الله بغفرانه و اسکنه فرادیس جنانه -... و انا العبد معین المسکین.

خلاصه این که، نگارش کتاب درج الدرر در ماه صفر ۸۶۳ هجری شروع شده و در ماه جمادى الآخر سال ۸۶۷ هجری به پایان رسیده و در سال ۸۸۹ هجری دانشمند معروف معین مسکین آن را از روی نسخه اصل مصنف کتابت کرده و در همین سال آن را با نسخه‌ای که به خط اصیل‌الدین بوده، مقابله کرده است. این نسخه در کتابخانه دانشگاه علیگره نگهداری می‌شود. در بعضی از صفحات این نسخه اختلاف بین دو نسخه و حاشیه نیز به چشم می‌خورد.

سبک نگارش کتاب درج الدرر بسیار ساده و روان است. اما مقدمه و خاتمه این اثر نمونه‌ای از نثر مسجع و مصنوع بوده و عبارتهای این دو بخش در برگزیده جمله‌های

طولانی، کثرت مترادفات و واژه‌های مائوس و نامائوس عربی و صنایع ادبی مشکل است. نویسنده اثر از ذوق شعری بهره‌ای وافر داشته و از این رو اکثر صفحه‌های کتاب مشتمل بر اشعار عربی و فارسی است. اگرچه بکارگیری این‌گونه اشعار گاهی به سبک ساده کتاب لطمه زده، لیکن نویسنده صریحاً نوشته که او با بهره بردن از اشعار عربی و فارسی، سبک خود را آراسته و مزین ساخته است. اما جای تعجب دارد که مؤلف به ذکر اسامی شاعران نپرداخته است. به هر حال شاعران فارسی که نمونه‌ای از اشعار آنها در این کتاب دیده می‌شود عبارت‌اند از: فردوسی، نظامی، جلال‌الدین رومی، سعدی، جامی، پوربهای جامی و غیره... برای مثال بیت ذیل که در این کتاب درج شده، از شاهنامه فردوسی است که مربوط به داستان رستم و سهراب بوده و در مدح رستم آمده است:

دو ابر و کمان و دو گیسو بلند / به بالا به کردار سرو بلند<sup>۱</sup>

بیتهای ذیل برگرفته از خسرو و شیرین نظامی<sup>۲</sup> است:

به مروارید دندانهای پر نور / صدف را آب دندان داده از دور

دو شکر چون عقیق آب داده / دو گیسو چون کمند تاب داده

فسونگر کرده بر خود چشم خود را / زبان بسته به ابرو چشم بد را<sup>۳</sup>

اشعار ذیل از بوستان سعدی<sup>۴</sup> گرفته شده است:

تو اصل وجود آمدی از نخست / دگر چیزها پرتوی نور تست<sup>۵</sup>

ندانم کدامین سخن گویمت / که بالاتری ز آنچه من گویمت

ترا عزّ لولاک تمکین بس است / ثنای تو طه و یس بس است

چه وصفت کند سعدی ناتمام / علیک السلام ای نبی و<sup>۶</sup> السلام

۱- رگ: شاهنامه، چاپ محمد رضایی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۲- کلیات خمسة نظامی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵؛ این ابیات در کتابش جلدان شیرین است.

۳- ورق ۱۵ ب. ۴- کلیات سعدی، چاپ فروغی، ص ۲۰۴.

۵- بوستان: دگر هر چه موجود شد، مرع تست. ۶- همان: و.

قطعه ذیل از حافظ<sup>۱</sup> است:

با تو گویم ز دفتر اخلاق / آیتی در وفا و در بخشش

کم مباش از درخت، سایه فکن / هر که سنگت زند، ثمر بخشش

از صدف یادگیر نکته حلم / آن که بزد سرت گهر بخشش

هر که بخراشدت جگر، به خطا / همچو کان کریم زر بخشش

این شعر در دیوان حافظ چاپ محمد قزوینی و دیگر چاپها وجود دارد و همین قطعه در بیاض تاج‌الدین وزیر به خط احمد حسینی به تاریخ ۷۸۲ هجری در صفحه ۵۸۱ بدون قید نام شاعر<sup>۲</sup> دیده می‌شود. ترتیب ابیات در بیاض همانند دیوان است، اما در درج الدرر ترتیب آن متفاوت است<sup>۳</sup>.

پنج بیت از غزل معروف حافظ - یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور - در ورق

۴۸ مندرج است و در این کتاب مصرع اول بیت چهارم این‌گونه آمده است: دور گردون

یک دو روزی بر مراد ما نگشت، در حالی که در چاپ قزوینی مصرع مذکور این‌گونه

نوشته شده است:

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت

بیت ذیل از حافظ در ورق ۱۵۸ درج الدرر منقول است:

من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه / قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم<sup>۴</sup>

اصیل‌الدین واعظ در خاتمه هر یک از مجالس دوازده گانه، نعتی باردیف محمد یا

محمد است، نقل کرده که از آن دوازده نعت، شش نعت از جامی است و هر یک از این

۱- چاپ قزوینی، ص ۳۶۸.

۲- در درج الدرر اشعار بدون ضبط نامهای گویندگان آمده.

۳- به علاوه ترتیب ابیات بیت اول در دیوان و بیاض تاج‌الدین احمد وزیر چنین است: بر تو خوانم.

۴- این بیت دوم است از غزلی به مطلع زیر:

سائنها پیروی مذهب زندان کردم / تا به فتوای خرد حرص به زندان کردم

(چاپ قزوینی، ص ۲۱۷)

پروژه نگاه علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

شش نظم بار دینف محمد آمده که در اصل این شش نعت، شش بند است از یک ترجیع بند در نعت از جامی. از مزینهای منظومه جامی این که هر بند ردیفی با نام محمد دارد و قافیه‌های بند اول (الف)، بند دوم (ب)، بند سوم (ت)، بند چهارم (د)، بند پنجم (ز)، بند ششم (س)، بند هفتم (ل)، بند هشتم (م)، بند نهم و دهم (ن)، بند یازدهم (ه)، و بند دوازدهم (ی) است.

اصیل الدین از مجموع دوازده بند یادشده، شش بند یعنی بند اول، یازدهم، هشتم، نهم، ششم و هفتم را به همین ترتیب نقل کرده و همراه بیت ترجیع که عربی است، یک نعت از حسن، یکی از سعدی و یکی از کمال فارسی قرار دارد. گویندگان سه نعت دیگر شناخته نشدند.

دوازده نعت مندرج در این اثر به ترتیب ذیل است:

ایوان خلد، خرده خوان محمد است  
 آمزش خلائق دنیا و آخرت  
 آدم که در عدم اثر خاک او نبود  
 نوح نبی که بر سر آب روان نشست  
 موسی که در دهانه دریای نیل شد  
 عیسی به بام گنبد گردون از آن رسید

باغ بهشت وصف جمال محمد است  
 نون و القلم هدیه‌ای از لوح خاق اوست  
 کرسی که هفت چرخ فلک تحت قدر اوست  
 آغاز عید شادی و انجام شام غم

ختم رسول صفات کمال محمد است<sup>۱</sup>  
 طه اشارتی به جمال محمد است  
 یک پایه‌ای ز جاه و جلال محمد است  
 موقوف ابروی چو هلال محمد است

\*

هست این نعم نواله‌ای از خوان او بلی  
 آزاد شد دل حسن از بند هر غمی  
 جمله نوالها ز نوال محمد است  
 کو بنده محمد و آل محمد است

\*

ای روح قدس بوده، در خدمت محمد  
 طاق ز رنگار من، با رفعتی که دارد  
 وی عقل کل نگفته، جز مدحت محمد<sup>۱</sup>  
 والله بماند حیران، از رفعت محمد  
 شاید که روح اعظم، در سجده‌گاه سدره  
 بر خود بود هراسان، از حشمت محمد  
 نور ستاره از مه، مه را زمهر لیکن  
 آن جمله نور گیرند، از تربت محمد  
 چون امت محمد، نزدیک دوزخ آیند  
 دوزخ شود گریزان، از امت محمد

فردا که عاشقان را فرمان شود به جنت

جنت چه باشد آن جا یک دعوت محمد

\*

ماه<sup>۲</sup> فروماند از جمال محمد  
 قدر فلک را کمال و منزلتی نیست  
 سرو نروید<sup>۳</sup> به اعتدال محمد<sup>۴</sup>  
 با شرف و قدر بی‌همال<sup>۵</sup> محمد  
 وعده دیدار هر کسی به قیامت  
 آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی  
 آن همه پیرایه کرده<sup>۶</sup> جنت فردوس  
 آن همه پیرایه کرده<sup>۶</sup> جنت فردوس  
 همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد  
 تا که دهد بوسه بر نعال محمد<sup>۷</sup>

۱- ورق ۱۳۴ ب.

۲- همان: بیاد.

۳- کلیات سعدی، ص ۵-۷۱۴، با کمال.

۴- این بیت در کلیات سعدی اضافی است.

۵- همان: است.

۶- در کلیات سعدی، این بیت اضافی است.

۷- شمس و قمر در زمین حشر نیابند نور نتابد مگر جمال محمد





شاید اگر آفتاب و ماه، بتابد<sup>۱</sup> پیش دو ابروی چون هلال محمد  
چشم مرا تا به خواب دیدد جمالش خواب نمی‌گیرد از خیال محمد  
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی  
عشق محمد بس است و آل محمد

\*

ماء معین<sup>۲</sup> چیست خاک پای محمد حبل متین رنقه<sup>۳</sup> والای محمد<sup>۴</sup>  
خلقت عالم برای نوع بشر شد خلقت نوع بشر برای محمد  
سوده همه عرشیان جبین ارادت بر کف نعلین عرش سای محمد  
عروه<sup>۵</sup> و ثقی بس است دین و دلم را رسته‌ای از گوهر ردای محمد  
جای محمد درون خلوت جانست نیست مرا دیگری به جای محمد  
حد ثنائیش بجز خدا که شناسد من که و اندیشه<sup>۶</sup> تنای محمد

لیس کلامی یفی بنعت کماله

صل الهی علی النبی و آله

هر<sup>۷</sup> که نه او روی زد به راه محمد کی بودش راه در پناه محمد<sup>۸</sup>  
هست برون از دو کون اگرچه به ظاهر خاک مدینه است تکیه‌گاه محمد  
داد ز خیل مؤمنین مددش حق ضعف چو شد لاحق سیاه محمد  
کوکبه<sup>۹</sup> حسن آفتاب شکسته است شعشه<sup>۱۰</sup> طلعت چو ماه محمد  
چون گه دعوت زبان گشاد به دعوی بوده خجر با شجر گواه محمد  
با کینه همچو کوه چشم شفاعت باشدم از عفو کوه گاه محمد

۱- کلیات سعدی: تناید.

۲- بیت اول از ترجیح بند جامی، دیوان کامل جامی، هشتم رضم، ۱۳۴۱، تهران، ص ۱۰۰-۹۵، یک

بیت در دیوان (بند اول، ص ۹۵) اضافی است:

جان گرامی دریغ نیست ز عشقش جان من و صد چو من فدای محمد

۳- بند یازدهم از ترجیح جامی، ص ۹۹.

۴- ورق ۱۰۱ الف.

۵- ورق ۱۹۳ الف.



خرمن شور و شر تمام بشر را بیم شرر بس ز برق آه محمد  
لیس کلامی یفی بنعت کماله  
صل الهی علی النبی و آله

حرز<sup>۱</sup> امان چیست نعت و نام محمد صل علی سیدالانام محمد  
بهره نیابی ز ذوق مشرب مستان تا نچشی جرعه‌ای ز جام محمد  
چرخ برین با همه مدارج رفعت هست کمین پایه از مقام محمد  
پیک نسیم شمال ای شده محرم در حرم جاه و احترام محمد  
بهر خدا چون بفر عرض رسانی از قبل بیدلان سلام محمد  
شرح کنی افتقار و عجز رهی را با کرم خاص و لطف عام محمد  
بو که درآیم بدین وسیله دولت در کنف ظل اهتمام محمد

لیس کلامی یفی بنعت کماله

صل الهی علی النبی و آله

مهبط<sup>۲</sup> وحی خداست جان محمد کاشف سر هدی بیان محمد  
شاه نشانان بارگاه جلالند خاک نشینان آستان محمد  
گشته نشانمند هر نبی به نشانی محو نشانها بود نشان محمد  
هست به مهمان سرای نعمت هستی عالم و آدم طفیل خوان محمد  
با همه اشجار چیست روضه جنت چند نهالی ز بوستان محمد  
گر به مراحل ز عرش دارمش اعلی نیست غلو در علو شأن محمد

لیس کلامی یفی بنعت کماله

صل الهی علی النبی و آله

۱- بند هشتم از ترجیح جامی، ص ۹۸.

۲- بند نهم، ص ۹۸، بیت زیر در دیوان اضافی است:

شد صدف گوش و هوش عارف و عامی پر گهر از لعل در فشان محمد



ای<sup>۱</sup> شده لامح ز فیض کاس محمد ز آدم و عالم مکن قیاس محمد<sup>۲</sup>  
 وحدت مستور در مطاوی کثرت بار دگر سر زد از لباس محمد  
 یک سر مو از حشش جدا نشناسد هر که شد امروز حق شناس محمد  
 تا به قیامت مصون بود ز تزلزل دین قویم قوی اساس محمد  
 جیش عدو گشته با وفور جلادت هزم... و هراس محمد  
 حفظ حق اندر حجاب نسج عناکب داشته از پاس خصم پاس محمد  
 هر چه کند التماس در حق امت رد نشود هرگز التماس محمد

لیس کلامی یفی بنعت کماله

صل الّهی علی النّبی و آله

ماه<sup>۳</sup> بود عکسی از جمال محمد مشک شمیمی ز زلف و خال محمد  
 در چمن «فاستقم» قدم ننهاده سرو روانی به اعتدال محمد  
 حرف شناسان نقش ملک قدم را صد مدد آمد زمیم و دال محمد  
 یافت چو روی بتان ز خال معنبر دین هدی زینت از بلال محمد  
 چند نشینی درین سراچه ظلمت محتجب از نیر کمال محمد  
 روز... که تافت بر همه عالم پرتو خورشید بی زوال محمد  
 دست به دامان آل زن که نباشد جز به محمد مال آل محمد

لیس کلامی یفی بنعت کماله

صل الّهی علی النّبی و آله

✽

ای دل و جانم ز جان غلام محمد نقش نگین دلم به نام محمد<sup>۴</sup>  
 در ره دین و طریق «فاتعنوی» هادی هر طالبی کلام محمد



روضه فردوس و باغ جنت اعلی برتر از این هر دو دان مقام محمد  
 شاید اگر عرش با کمال و بزرگی سعی کند در طواف بام محمد  
 صبح صفایی نمود اهل سما را نور نیاز نماز شام محمد  
 نیر اعظم که نوربخش جهانست چیست نشانی ز نور نام محمد  
 چون به قیامت رسید خلق بدانند دبدبه و عز و احترام محمد  
 عزت از این بیشتر که روح قدس کرد غاشیه داری ز احتشام محمد  
 سر به فلک بر کشم ز روی تفاخر گر تو بگویی مرا غلام محمد

یا رب از انفاس ذکر روح آن جناب

باد معطر ز ما مشام محمد

✽

تقدیم عقل کل ز کمال محمد است تعظیم دین ز جاه و جلال محمد است<sup>۱</sup>  
 مشکل گشای عقل که کشف علوم کرد در مانده در جواب و سؤالی محمد است  
 مه پرتوی ز شمعش نور مصطفی است خورشید ذره‌های ز جمال محمد است  
 طوبی نهالی از شجر ختم انبیاست کوثر نمی ز عین زلال محمد است  
 عرش برین ز حلقه میم محمدی است گردون دو تا ز صورت دال محمد است  
 خلقی که خالقش به کرامت عظیم خواند تعریف خصلتی ز خصال محمد است

همچون کمال فارسی آن کسی کمال یافت

کو دوستدار احمد و آل احمد است<sup>۲</sup>

نسخه علیگیره

همان طور که قبلاً گفته شد، نسخه درج الذرر که در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگیره به شماره ۹۹/۴ نگهداری می‌شود، به دلایلی که در ذیل می‌آید، بسیار

۱- ورق ۳۸۵ ب.

۲- این نعت که از کمال فارسی است و در آخر مجلس دوازدهم نقل شده، شناخته نشد.

۲- ورق ۳۱ ب.

۴- ورق ۲۶۸ ب.

۱- بند ششم، ص ۶۷

۲- بند هفتم، ص ۹۷

ارزشمند و دارای اهمیت است:

- ۱- این نسخه تنها شش سال پس از وفات مصنف رونویسی شده و تاریخ درگذشت سید اصیل الدین نگارنده کتاب ۸۸۳ هجری و تاریخ کتابت آن ۸۸۹ هجری قید شده است؛
  - ۲- این نسخه سالم و کامل است و جا افتادگی ندارد؛
  - ۳- نسخه خوش خط، روشن و خواناست؛
  - ۴- تاریخ کتابت در ابتدای اکثر مجالس به خط نسخ جلی نوشته شده و اهتمام بکار گرفته شده در رونویسی این اثر توسط کاتب، در کمتر نسخه‌ای دیده می‌شود؛
  - ۵- کاتب در اکثر موارد، تاریخ مقابله نسخه با نسخه اصلی را ذکر کرده است؛
  - ۶- معین الدین فراهی هروی (م: ۹۰۷ ه) کاتب این نسخه، خود یکی از نویسندگان و شاعران ممتاز آن دوره بود و با تخلص‌های معین مسکین، معین و مسکین شعر می‌سرود و دیوانی که وی ترتیب داده، در هند به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>
- علاوه بر این دیوان، معین صاحب آثار متعددی بوده که کتاب معارج النبوة در سیرت نبی اکرم - صلعم - یکی از آنهاست که به چاپ رسیده و نسخه‌های فراوانی از آن نیز در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد. معین الدین فراهی در عصر سید اصیل الدین می‌زیسته و مانند او در فن سیره نبوی مهارت داشته است. با این وجود

وی کتاب اصیل الدین واعظ را کتابت کرد و این خود حاکی از اهمیت کتاب درج الذرر و جایگاه بلند نویسنده آن است؛

۷- ابوالفضل علامی در کتاب آیین اکبری نام معین الدین فراهی را در میان خطاطان فارسی آن دوره آورده است؛ از این نسخه رونویس شده و بسیار خوشخط نیز چنین برمی آید که وی در خط نسخ و نستعلیق از مهارت بالایی برخوردار بوده است. از آن جایی که نمونه دیگری از خط فراهی در دسترس نیست، لازم است این کتاب ارزشمند بسیار مورد توجه علاقه‌مندان و دانش پژوهان قرار گیرد. این جانب نظر به اهمیت و زیبایی خط فراهی، عکس بعضی از صفحات کتاب را به عنوان نمونه، ضمیمه این مقاله قرار داده است. در میان نسخه‌های درج الذرر در کتابخانه‌های هندوستان و دیگر کشورهای جهان می‌توان از نسخه‌های ایاصوفیه در ترکیه، نسخه ریو در کتابخانه بریتانیا (۱=۱۴۷) و نسخه بانکی پور آ نام برد. نسخه ایاصوفیه در سال ۸۸۶ هجری یعنی سه سال قبل از نسخه مورد بحث این مقاله رونویسی شده، اما هویت آن آشکار نیست. حال آن‌که نسخه علیگره از این جهت که معین الدین فراهی هروی کاتب آن - معاصر سید اصیل الدین بوده و چندین بار تاریخ کتابت و تاریخ مقابله با نسخه اصلی را در آن ذکر کرده، بهترین نسخه از کتاب درج الذرر محسوب می‌شود.

### محتویات نسخه علیگره

- مجلس اول : برگ ۱ - ۳۱ ب.
- مجلس دوم : برگ ۳۲ الف - ۶۵ ب.
- مجلس سوم : برگ ۶۶ الف - ۱۰۱ ب.
- مجلس چهارم : برگ ۱۰۲ الف - ۱۳۴ ب.

- ۱- این دیوان به عارف مشهور سلسله چشتیه، حضرت خواجه معین الدین اجمیری منسوب بوده و حتی به نام وی به چاپ رسیده است. اما این انتساب کاملاً اشتباه است. در این باب حافظ محمود شیرینی در رساله اردو، چاپ ژوئیه ۱۹۲۴، و نیز محمد ابراهیم دار در اردو کراچی، ژوئیه ۱۹۵۰ و پرفسور محمد اسلم در مجله علوم اسلامی، علیگره (راقمه مجله معارف، ۱۹۹۰) توضیحات مبسوطی ارائه کرده‌اند.
- ۲- دکتر جعفر سجادی در مقدمه حدائق الحقایق، در دو ترجمه و سیزدهم از شش اثر معین الدین فراهی به ترتیب ذیل نام برده است:
  - ۱- معارج النبوة، ۲- قصص حضرت موسی، ۳- اربعین در چهل حدیث، ۴- تفسیر سوره فاتحه، ۵- بحر الذرر (تفسیر بزرگ قرآن)، ۶- حدائق الحقایق (تفسیر سوره فاتحه)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.

۱- ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۱۰۷، ۲- پند هندی، ج ۴، شماره ۶، ۱۳۵۵.



- مجلس پنجم : برگ ۱۳۵ الف - ۱۵۷ ب.
- مجلس ششم : برگ ۱۵۸ الف - ۱۹۳ ب.
- مجلس هفتم : برگ ۱۹۴ الف - ۲۳۶ ب.
- مجلس هشتم : برگ ۲۳۷ الف - ۲۶۳ ب.
- مجلس نهم : برگ ۲۶۳ الف - ۳۰۱ ب.
- مجلس دهم : برگ ۳۰۲ الف - ۳۳۱ ب.
- فهرست : برگ ۳۴۰ - ۳۴۲.
- مجلس یازدهم : برگ ۳۴۳ الف - ۳۶۸ ب.
- مجلس دوازدهم : برگ ۳۶۹ الف - ۳۸۸ ب.

کاتب : معین مسکین، کتابت ذی الحجہ ۸۸۹، تاریخ مقابلہ او آخر ذی الحجہ ۸۸۹ هجری.

قطع : "۹/۴" × ۶/۸"



\*\*\*

پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی